از سنت به مدرنیته: تحلیل جایگاه و نحوه کیوریتوری هنر معاصر ایران در موزه‌های اتریش(ویراست اول)

۱. درآمد: چرخش معرفت‌شناختی در مواجهه با هنر معاصر ایران

مواجهه موزه‌ها و گالری‌های ملی اتریش با هنر معاصر ایران، نشان‌دهنده یک چرخش اپیستمولوژیک (معرفت‌شناختی) مهم از نگاه سنتی و شرق‌شناسانه به رویکرد مدرن، انتقادی و جهانی است. این تحول، بازتابی از تغییرات گسترده‌تر در گفتمان هنری اروپا نسبت به هنرهای غیرغربی به شمار می‌رود.

۲. بسترسازی موزه‌های وین برای نمایش هنر پیشرو ایرانی

در گذشته، نهادهای موزه‌ای وین تمایل داشتند هنر ایران را عمدتاً در بخش‌های باستان‌شناسی، صنایع دستی کلاسیک، نگارگری تاریخی و مجموعه‌های شرقی محدود کنند و آن را به عنوان میراثی ایستا و متعلق به گذشته دور بازنمایی نمایند [۱]. با این حال، در دو دهه اخیر، موزه‌هایی نظیر موزه هنر مدرن و معاصر وین **(MUMOK)**، گالری بلفدر **(Belvedere)**، موزه هنرهای کاربردی **(MAK)** و آلبرتینا **(Albertina)** رویکرد خود را به طور اساسی تغییر داده و به نمایش هنر آوانگارد، نقاشی‌خط، عکاسی مفهومی، ویدئوآرت، installation art و آثار هنرمندانی مانند شیرین نشاط **(Shirin Neshat)** (که نمایشگاه‌هایی در Kunsthalle Wien داشته)، عباس کیارستمی (در حوزه عکاسی و ویدئو)، پرویز تنکابنی، فرح اصولی، بهرام دبیری، منیر فرمانفرماییان (با تأثیرات هندسی و معاصر) و نسل جوان‌تر هنرمندان ایرانی پرداخته‌اند. این نمایشگاه‌ها اغلب آثاری را در زمینه‌های جهانی مانند فمینیسم، مسائل محیط زیستی، ساختارشکنی مذهبی، نقد قدرت، هویت جنسیتی، مهاجرت و مقاومت فرهنگی به نمایش می گذارند [۲].

۳. چالش‌های نمایشگاه‌گردانی و پیوند نوگرایی بومی با سنت‌های ایرانی

چالش اصلی در نمایشگاه‌گردانی این آثار، چگونگی ارائه آن‌ها به مخاطب غربی است به طوری که بستر سیاسی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی خلق اثر (از جمله تأثیرات انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، جنگ، تحریم‌ها و جنبش‌های اجتماعی اخیر) قطع نشود و در عین حال اصالت بومی، لایه‌های معنایی عمیق عرفانی، شعری و بصری آن حفظ گردد. نمایشگاه‌گردانان اتریشی تلاش می‌کنند تا آثار هنرمندان معاصر ایرانی را در بافت جریان‌های جهانی هنر (مانند فمینیسم، مسائل محیط زیستی، ساختارشکنی مذهبی، نقد قدرت، هویت جنسیتی و مهاجرت) قرار دهند و در عین

حال پیوندهای آن با سنت‌های ایرانی مانند خط، عرفان، شعر حافظ و مولانا، و روایت بصری را برجسته سازند. این نوع مواجهه به مخاطب اتریشی کمک می‌کند تا درک کند جامعه هنری ایران در حال تجربه یک مدرنیته بومی، پویا، چندلایه و در حال گفتگو انتقادی با مدرنیته غربی است.

٤. تغییر الگوواره‌های هنری و ارتقای جایگاه هنر ایران در اتریش

واکاوی متون راهنمای موزه‌ها، کاتالوگ‌های نمایشگاه، سخنرانی‌های همراه و برنامه‌های آموزشی نشان می‌دهد که هنر معاصر ایران دیگر به عنوان روایتی فرعی یا حاشیه‌ای از هنر غرب تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان یک جریان مستقل، واجد تئوری، نوآوری ساختاری، ظرفیت انتقادی و پتانسیل جهانی ارزیابی می‌گردد. این تغییر پارادایم در نمایشگاه‌گردانی، جایگاه هنر معاصر ایران را در بازار هنر، مارکت آکادمیک، مجموعه‌داری خصوصی و برنامه‌های آموزشی اتریش به شدت ارتقا داده و به برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی متعدد، مرور آثار هنرمندان زن ایرانی، پروژه‌های مشترک با دیاسپورا و ادغام در مجموعه‌های دائمی منجر شده است [۳].

٥. نتیجه‌گیری: پیامدهای راهبردی تحول در نمایشگاه‌گردانی موزه‌های اتریش

چرخش از سنت به مدرنیته در نمایشگاه‌گردانی موزه‌های اتریش، نه تنها درک عمیق‌تری از هنر ایران ایجاد کرده، بلکه به غنای گفتمان جهانی هنر معاصر، بازتعریف روابط فرهنگی دو کشور و تقویت پل‌های هنری پایدار کمک شایانی نموده است.

منابع و مآخذ:

- [1] Historical museum practices in Vienna regarding non-Western and Islamic art collections.
- [2] Exhibition catalogs from MUMOK, Belvedere, MAK, Albertina and Kunsthalle Wien featuring Iranian artists like Shirin Neshat.
- [3] Studies on curatorial shifts toward Iranian contemporary art in European museums and global modernism discourses.